

نبوغ بوعلی

تخلیص از متن اصلی مقاله « نبوغ بوعلی »

محمدجواد خداکرمی

دبیر بازنشسته آموزش و پرورش همدان

چکیده

شرح حال: ابن سینا در حدود سال « ۳۷۰ هـ - ق - ۹۸۰ م » در بخارا چشم بجهان گشود و پدرش از مردم بلخ و در زمان حکومت نوح سامانی به بخارا رفت و ازدواج کرد و ابن سینا در این شهر متولد شد. ابن سینا در ده سالگی تمامی قرآن و بسیاری از علوم ادبی را آموخت و سپس کتاب منطق « ایساغوجی » را در نزد « عبدالله ناتلی » آموخت و بعد کتاب: « المجسطی بطليموس » را آغاز کرد و نیز در محضر این استاد، طب و ریاضیات را فرا گرفت و در هیجده سالگی در خوارزم با دانشمندانی مانند: « ابوسهل مسیحی و ابونصر عراق » در ارتباط بود.

ابن سینا بسال « ۴۲۸ هـ - ق » در شهر همدان درگذشت و در همان شهر مدفون گردید.

استادان شیخ: اسماعیل زاهد در علم « فقه » ابو عبدالله ناتلی در « ریاضیات » و « طب »؛ ابوسهل مسیحی خرجانی و ابومنصور بن نوح در « الهیات و طب » بودند.

آثار ابن سینا: از آثار ابن سینا پیش از یکصد و پنجاه کتاب و رساله است که یکصد جلد از او باقیمانده که برحسب مطالب میتوان آثار شیخ را به چهار گروه تقسیم کرد: ۱- فلسفی ۲- دینی ۳- رسائل طبیعی و ریاضی و ... ۴- رسائل تمثیلی و عرفانی

مهمترین آثار ابن سینا: شفا و نجات و دانشنامه علائی، عیمون الحکمه، اشارات و تفسیر سوره اخلاص و دیگر سوره هائی درباره زیارت و قضا و قدر و غیره ...

فلسفه ابن سینا: شیخ نظام فلسفی خود را حکمت یا فلسفه شرق نامیده است و پیروان این را «فلاسفه اشراقی» نامیده اند.

نظام فلسفی شیخ به چهار گروه تقسیم شده: ۱- هستی و خداشناسی ۲- جهان شناسی ۳- روان شناسی و نظریه شناخت ۴- گرایش عرفانی.

چیزی که همواره فیلسوفان را در تفکرات فلسفی بخود مشغول کرده؛ مباحث متافیزیک « مابعدالطبیعه » است.

مسئله هستی و خداشناسی: از فلاسفه پیش از سقراط گرفته تا افلاطون و ارسطو و فلاسفه دوران بعد همگی درباره مفهوم وجود یا موجود به تفحص و تجسس پرداخته اند که در تفکرات

فلاسفه اسلامی نیز جای مخصوص خود را داشته است.

ابن سینا در نوشته فارسی خود: « دانشنامه علائی » می‌گوید: « هستی را خود خود بشناسید بی حدّ و بی رسم که او را حدّی نیست؛ او را جنس و فصلی نیست که چیزی از وی معروف تر نیست». در هستی‌شناسی شیخ همه موجودات یکسان از مفهوم هستی برخوردار نیستند؛ بلکه بعضی در این معنی شایسته‌ترند، چنانکه می‌گوید: « ... نخستین موجودات در شایستگی برای هستی دارای جوهر، سپس صورت و بعد ماده می‌باشد ».

خداشناسی ابن سینا: شیخ ثابت می‌کند که ایجاد کلّ عالم بوسیله « واجب‌الوجود » پا به هستی نهاده است و در کتاب « دانشنامه علائی » آمده است: « ... مَرّ عالم را اولی است که بعالم نماید، و هستی عالم از اوست و وجود وی را واجب است و وجود محض است ... از صفات او یکتائی و وحدت اوست و بدین جهت؛ نه در معنی و نه در کمیت منقسم نمی‌شود ... »

دین و وحی در نزد ابن سینا: شیخ مسلمان متدبّینی بود و وحی در آثار فلسفی او آشکار است، و در این باره در رساله: « فی‌العشق » نوشته است: « غایت عاشقیت همان غایت معشوقیت است؛ مقصودم ذات اقدس حق تعالی است؛ چه، خیر به خیر عشق میورزد و این عشق نسبت بخود کاملترین و تمامترین عشق است ».

ابن سینا و دین اسلام: شیخ به اصول دین اسلام سخت پای‌بند بود و حتی برای حلّ مشکلات فلسفی و علمی به مسجد می‌رفت و از پروردگار مدد می‌خواست.

ابن سینا برای اثبات دینداری و دفاع از خود در برابر قشریون که او را بی‌دین می‌خواندند، رباعی ذیل را بدو نسبت داده‌اند:

« کفر چو منی گزاف و آسان نبود محکمتر از ایمان من ایمان نبود »

« در دهر چو من یکی و آنهم کافر پس در همه دهر یک مسلمان نبود »

شیخ‌الرئیس بر بعضی از سوره‌های قرآن تفسیر نگاشته، مانند: سوره اخلاص و ... و رساله‌هایی درباره روزه و کتاب المبدأ و المعاد را در احوال نفس نوشته است.

عرفان ابن سینا: بوعلی در بعضی از رسالات صوفیانه و عارفانه‌اش، معراج پیامبر را بزبان صوفیانه تعبیر کرده و آنرا: « معراج روحانی » شمرده است.

رساله: « حیّ بن یقظان و سلامان و ابسال » هر دو از داستانهای رمزی فیلسوفانه و عارفانه است. در رساله‌ای بعنوان: « رساله عشق » تأثیر عشق را در پیدایش عالم بیان کرده است. و شیخ در وصف زاهد و عارف و عابد می‌گوید: « آنکس که از متاع جهان و خوشیهای آن روی برتافته است « زاهد » و آنکس که اندیشه خود را به سوی قدس جبروت میگرداند و همواره چشم براه تابش نور حق در

نهایی‌ترین درون سرّ خویش است « عارف » و آنکس که بکار عبادت از نماز و روزه و مانند آن بپردازد « عابد » نام دارد.

بوعلی با متصوفان نامی مانند: « ابوسعید ابوالخیر و ابوالحسن خرقانی » محشور بود و کتاب: «طبیعیات شفا» را بعد از ملاقات با شیخ خرقان در همدان تألیف کرد.

ابن سینا و پزشکی: شیخ‌الرئیس در علم طب بچنان شهرتی رسید که کتابش بنام «قانون» در مدت صدها سال در دانشگاه‌های مشهور اروپا تدریس می‌شد. کتاب قانون و تألیفات دیگرش از قبیل «ادویة قلبیه» و رساله‌ای درباره: « قولنج و نبضیه و ارجوزه » وجود دارد.

قانون شیخ بزرگترین سند پزشکی جالینوسی است، و ویژگی نبوغ ابن سینا در این است که: وی موارد و موضوعهای پزشکی را به دقیقترین نحوی در کتاب « قانون » نظام بخشیده است.

کتاب قانون به پنج کتاب تقسیم شده که هر کتاب چندین فن و تعلیم و فصلهای بسیاری را شامل است. کتاب اول: کلیات نامیده شده. کتاب دوم: درباره داروهایست. کتاب سوم: درباره بیماریهای جزئی است. کتاب چهارم: درباره داروهایست که مخصوص عضو یا اعضای معینی از بدن، هستند. کتاب پنجم: درباره داروهای مرکب است بنام « قراباذین ».

کتاب: قانون حاوی تمام اطلاعات و شناختهای پزشکی یونانی و عربی تا دوران حیات مؤلفش می‌باشد.

مشاهدات بالینی شیخ در مورد بیماریهای گوناگون از خصوصیات پزشکی اوست.

ابن سینا و ریاضیات و نجوم: ابن سینا در ریاضی صاحب نظر بوده و آثاری در علوم ریاضی تألیف کرده و دو فصل از کتاب: شفا را بعلم ریاضی اختصاص داده است و در علم نجوم که خود رشته مهمی از ریاضی است صاحب تألیف و تصنیف است؛ و در ساختن وسائل؛ رصد نجوم ید طولانی داشته. ریاضیات کتاب شفا شامل چهاربخش است: اصول هندسه - علم حساب - علم موسیقی و علوم هیأت. و در ریاضی کتابی بنام: « مختصر اقلیدس » تألیف کرده و بخشی از کتاب: « نجات » را بعلم هندسه تخصیص داده است.

کتب معروف در ریاضیات و هندسه شیخ عبارتند از: « تحقیق مبادی الهندسه و الزاویه - خواص العدد » و دیگر تألیفاتش ... و در موسیقی و هیئت در کتاب: مجسطی مواردی از علم هیأت آورده که تا آن زمان کسی بدانها پی نبرده بود. و شیخ در علم نور مطالعاتی کرده که با عقاید بطلمیوس و اقلیدسی مغایرت دارد و از آنها برتری جسته است...

ابن سینا و ادبیات: شیخ‌الرئیس علاوه بر نبوغش در علم پزشکی و ریاضیات و سایر علوم؛ در شعر و ادب دارای مقام والائی است و در زبان و ادب فارسی و عربی استاد منحصر بفرد بوده و تمامی کتب علمی خود را بزبان فصیح عربی نوشته است. بوعلی کتاب: « دانشنامه علائی » را بزبان

فارسی نگاشته است؛ و در صرف و نحو عربی و فارسی از استادان عصر خویش بوده و نوشته‌ها و اشعارش در هر دو زبان تبخّر او را بیان می‌کند.

در آثار شیخ گرایش عرفانی و ادبیات صوفیانه بزبان رمز و کنایه و در قالب تمثیل بکار رفته است. ابن سینا برای مفاهیم دقیق فلسفی و علوم وابسته بدان؛ نثر فارسی دری را رواج داد و روش نگارش با نثر فارسی دری آغاز گردید.

از آثار فارسی شیخ که بجا مانده، از لحاظ تاریخ تحولات این زبان و شناخت تواناییها و قابلیت‌های آن دارای ارزش و اهمیت بسیار است. در تاریخ‌ها مذکور است که شیخ در مدت عمر خود هیچ شعر پارسی نسروده جز این که چون نزدیک ب فوت شد این بیت فارسی بگفت و بخواند: « تن از رق گشت چون سیما - دریغا - بوعلی سینا. » ...

برخی از شاگردان معروف ابن سینا: ۱- ابو عبید جرجانی ۲- ابو عبدالله فقیه معصومی ۳- امیر ابو کالنجار و ...

نظریه دانشمندان و شعرا و حکما درباره بوعلی سینا: دانشمندان بزرگی مانند « خواجه نصیرالدین طوسی و قطب‌الدین شیرازی » بر کتب شفا و قانون و نجات و اشارات شرح و تعلیق و حاشیه نوشته‌اند. و در مشرق زمین حکمائی مانند: « ابن رشد و ابن میمون و راجریکن و دیگران ... » از فلاسفه و اطباء و علامی کلامی عیسوی همگی به تحصیل و تعلیم و بحث و شرح کتب شیخ مشغول بوده‌اند.

دانه شاعر بزرگ ایتالیا: شیخ‌الرئیس را بین بقراط و جالینوس قرار می‌دهد و اسکالی چر پزشک و دانشمند ایتالیائی ویرا در پزشکی همتای با جالینوس حکیم و در فلسفه او را بسیار والاتر از جالینوس می‌داند ...

مقدمه

حکیم‌بوعلی‌سینا، یکی از نوایغ و مفاخر عالم بشریت است و عمر گرانمایه‌اش سراسر از آثار برجسته از علم و حکمت و دانش و علوم پزشکی است که هیچگاه کهنه و فرسوده نمی‌شوند و مایه فخر و مباهات سرزمین خویش است.

از زمان زندگی شیخ‌الرئیس تاکنون که نزدیک به هزار و اندی می‌گذرد، نامش زبانزد خاص و عام بوده و آثارش تا امروز مورد استفاده علمای شرق و غرب جهان می‌باشد، و یادگارهای بی‌نظیرش بزبانهای خارجی مانند: عربی، لاتینی، فرانسوی، انگلیسی و آلمانی و سایر زبانهای مهم دنیا بارها ترجمه و چاپ شده است و در کشورهای غربی تا قرن هیجدهم و شاید تا قرن نوزدهم میلادی و در کشورهای شرقی هنوز هم از کتب درسی و از مهمترین مراجع اهل تحقیق و دانش است.

اینک این دفتر را که شرح مختصری از احوال و آثارش که گنجینه‌ای از دانش و حکمت است بدوستان علم تقدیم میدارم و امید است که مورد توجه و عنایت قرار گیرد.

شرح حال

مشهورترین زندگی‌نامه ابن سینا بوسیله شاگرد وفادارش، ابو عبید جرحانی برشته تحریر درآمده است که بنام: سرگذشت یا «سیره» مشهور است، و قدیم‌ترین متنی که ازین سیره بجا مانده است بنام کتاب: «تتمه صوان الحکمه» اثر ظهیرالدین ابوالحسن علی بن زید بیهقی است که مطالب تازه‌ای درباره ابن سینا دارد.

ابن سینا در حدود سال «۳۷۰ ق - ۹۸۰ م» در بخارا چشم بجهان گشود، پدرش از اهالی بلخ بود، و در زمان سلطنت؛ نوح سامانی به بخارا رفت و در قریه «خرمیشین» در دستگاه اداری بکار پرداخت و ازدواج کرد، از این ازدواج ابن سینا متولد شد، ابن سینا نخست به آموختن قرآن و ادبیات همّت گماشت و در ده‌سالگی همه قرآن و بسیاری از علوم ادبی را آموخت که باعث تعجب دیگران شد، سپس در نزد استادی بنام: «عبدالله ناتلی» کتاب منطق ایساغوجی را شروع به آموختن کرد و در این راه تا بدانجا پیشرفت کرد که موجب شگفتی استادش شد؛ بعد

از اتمام آن، کتاب «المجسطی» اثر: بطليموس ستاره‌شناس یونانی را نزد ناتلی آغاز کرد، و در محضر این استاد بزرگوار طب و ریاضیات را فرا گرفت و ...

و در هیجده سالگی از تمام این علوم فارغ گشت. ابوعلی در خوارزم با ابوریحان بیرونی و ابوسهل مسیحی و ابونصر عراق ارتباط داشت و ابن‌الخمار و ابن‌الطیب از هم‌عصرانش بودند. از شاگردان معروفش ابوعمید جوزجانی، ابوالحسن بهمنیار، ابن‌مرزبان و ابن‌زیله و معصومی بودند.

از تیزهوشی و فراست بوعلی داستانها گفته‌اند که در این مقال مجال تذکار آنان نیست. البته بعضی از داستانهاییکه درباره تیزهوشی بوعلی گفته‌اند، بصورت افسانه است که زیاد قابل تصدیق نیست، برای صدق گفتار این حقیر بهتر است به کتب تاریخی و ادبی دوران گذشته مراجعه نمود که از آنجمله میتوان کتاب چهارمقاله عروضی را نام برد ...

آثار ابن سینا: گرچه بسیاری از نوشته‌های شیخ‌الرئیس از بین رفته، با وجود این بیش از یکصد و پنجاه کتاب و رساله است که یکصد جلد از او در دسترس است، بعضی از این آثار مانند: شفا و قانون بسیار قطور و مفصل و برخی دیگر از قبیل: رساله‌الفعل و الانفعال و ... بطور خلاصه و موجز است، گرچه اکثر این کتب مربوط به فلسفه و علوم دین است، ولی برحسب مطالب میتوان آثار شیخ را به چهار گروه تقسیم کرد: کتب و رسائل فلسفی، کتب دینی، رسائل طبیعی و ریاضی و جهان‌شناسی و رسائل تمثیلی و عرفان است.

نوشته‌های شیخ که اکثر جنبه فلسفی دارد عبارتند از: شفا و نجات و دانشنامه علائی و عیون‌الحکمه و اشارات و تنبیهات و رسائل کوتاه و نوشته‌های قابل توجهی در منطق و مطالب متفرقه فلسفی و آثار دینی او بیشتر تفاسیر است بر سوره‌های قرآن مجید مانند: تفسیر سوره اخلاص و دیگر سوره‌ها، و نیز رساله‌هایی درباره زیارت و قضا و قدر و غیره که برشته تحریر درآورده است.

از جمله آثار مهمش کتاب: شفا می‌باشد که یک دائرةالمعارف فلسفی است، و یگانه کتابی که شیخ بفارسی نگاشته است کتاب دانشنامه علائی است.

بوعلی در سال ۴۲۸ هـ. ق در شهر همدان بمرض قلنج درگذشت و در همانجا هم بخاک سپرده شد.

معلمین شیخ: از جمله معلمین بوعلی: اسماعیل زاهد در علوم فقه و در ریاضیات ابوعبداله ناتلی و در

الهیات و طب ابوسهل عیسی بن یحیی مسیحی جرجانی و ابومنصور حسن بن نوح می باشند.

بوعلی فردی ایران‌الاصل بود و مادرش ایرانی و پدرش نیز در ایران بدنیا آمد و در ایران وفات یافت. شیخ هم در ایران متولد شد و در ایران دارفانی را وداع گفت و هیچگاه قدم از خاک وطن بیرون نگذاشت و چون فردی نابغه بود در سن ده سالگی از تمامی علوم زمان خود از قبیل: علوم ادبی، صرف و نحو و بیان و معانی و لغت و تفسیر و کلام و فلسفه و حکمت و تاریخ و طب بی نیاز گردید. بوعلی اگر نابغه نبود، در همان دوران طفولیت استاد استادانش نمی خواندند، چنانکه خودش در دانشنامه علائی بیان کرده است:

« کتاب ایساغوجی را پیش ناتلی آغاز کردم، در فلسفه دقت و تحقیق را بجائی رسانیدم که ناتلی با همه فضل و دانش در کارم خیره ماند، هر مسئله‌ایکه استاد طرح میکرد بهتر از خودش بحقیقت آن پی بردم، پنج شش شکل از هندسه اقلیدس را نزد ناتلی خواندم و باقی را بخودی خود دریافتم، آنگاه رفتم سر مجسطی کتاب هیئت بطلموس، چون از مقدمات آن فارغ شدم و باشکال هندسی رسیدم ناتلی از آموختنم فروماند؛ پس پیش خود شروع به حل کتاب کردم و بسا مشکلی که استاد ندانسته بود از من یاد می گرفت.»^(۱)

اکنون نبوغ بوعلی را در مباحث مختلف علمی و فلسفی و دینی و پزشکی و سایر شعبه‌های مربوط به آنرا احتمالاً از نظر می گذرانیم، امید است که مورد توجه خوانندگان و دانش پژوهان عزیز واقع گردد.

فلسفه ابن سینا: ابن سینا نظام فلسفی خود را حکمت یا فلسفه شرق نامیده است و پیروان این مکتب را فلاسفه اشراقی نامیده‌اند. نظام فلسفی ابن سینا بچهار بخش تقسیم گردیده که عبارتند از: هستی‌شناسی و خداشناسی، جهان‌شناسی، روان‌شناسی و نظریه شناخت، گرایش عرفانی.

از آغاز تفکرات فلسفی چیزیکه همواره فیلسوفان را بخود مشغول داشته و از مهمترین مباحث متافیزیکی (مابعدالطبیعه) است، مسئله هستی و خداشناسی است که از فلاسفه پیش از سقراط گرفته تا افلاطون و ارسطو و فیلسوفان دوران بعدی همگی درباره مفهوم وجود یا موجود به تفحص و تجسس پرداخته‌اند، و این شناخت هستی در تفکرات فلاسفه اسلامی نیز جای مخصوص خود را داشته است.

از بحث و گفتگو درباره هستی از نظر فلاسفه شرق و غرب چشم‌پوشی می‌کنیم و تنها نظریه ابن سینا را در این مقاله مورد بحث قرار می‌دهیم ...:

ابن سینا در نوشته فارسی خود: « دانشنامه علائی » می‌گوید: « هستی را خرد خود بشناسید بیحد و بی‌رسم که او را حد نیست، که او را جنس و فصل نیست که چیزی از وی معروف‌تر نیست».

در جای دیگر می‌گوید: « عامه مردم می‌پندارند که موجود همان محسوس است و آنچه حس بدان دست نیابد موجود نیست، یا آنچه مانند جسم در مکانی یا وضعی نیست، از هستی بهره‌ای ندارد، این سخنی باطل است، زیرا مفاهیم کلی هر چند محسوس نیستند مفاهیم معقولند و بدین‌سان بگونه‌ای واژه « هست » را می‌توان درباره آنها بکار برد، مثلاً مفهوم « انسان » از حیثی که دارای حقیقت یگانه‌ایست، یا بهتر بگوئیم از حیث حقیقت اصل آن که بسیاری در آن راهی ندارد محسوس نیست، بلکه معقول صرف است و این امر در مورد هر کلی صادق است».^(۲)

در هستی‌شناسی ابن سینا همه موجودات یکسان از مفهوم هستی برخوردار نیستند، بلکه بعضی در این معنی سزاوارتر و شایسته‌تر از دیگرانند، چنانکه می‌گوید: « ... نخستین موجودات در شایستگی برای هستی دارای جوهر، سپس صورت و بعداً ماده می‌باشند».^(۳)

خداشناسی ابن سینا: ابن سینا مانند دیگر فلاسفه شرق درباره خداشناسی مطالب و گفتار بسیار جالبی

آورده که همگی در اثبات وجود خدا و یگانگی و وحدت اوست و ثابت می‌کند که ایجاد کل عالم بوسیله واجب الوجود پا به عرصه هستی نهاده است، چنانکه به قسمتی از گفتار او که در دانشنامه علائی آورده شده اشاره می‌نماییم: «... پس پدید آمد که مر عالم را اولی است که بعالم نماید و هستی عالم از وی است و وجود وی واجب است و وجود محض است و همه چیزها را وجود از وی است ... واجب‌الوجود را وجود، ماهیت است».

و نیز در جای دیگر شیخ اشاره کرده: « ... و از صفات دیگر واجب‌الوجود یکتائی یا وحدت اوست، زیرا واجب‌الوجود بحسب تعین ذاتش یکتاست ... بنابراین واجب‌الوجود، نه در معنی و نه در کمیت منقسم نمی‌شود ...».^(۴)

دین و وحی: ابن سینا در حالیکه بیشتر تفکراتش در حیطه علم بود و ریاضی‌دانی بنام و پزشکی حاذق

بود، با وجود این شاعری توانا بود، از اینرو اندیشه‌های دینی خود را با زبان زیبای شعر بیان کرده است و رساله‌های

کوچکش، بخصوص آنگاه که سخنش جنبه اشراقی می‌یابد از سحر و زیبایی شعری آکنده است و به تصاویر خیال و مجاز و تشبیه آراسته است، چنانکه در قصه (حی بن یقظان) و رساله (الطیر) چنین است.

ابن سینا مسلمان متدینی بود و عمق طبیعت دینی وی گذشته از اشعار و تفسیر قرآن، وحی در آثار فلسفی او آشکار است، در بسیاری از عقاید فلسفی‌اش که اظهار کرده دین اسلام الهام‌بخش وی بود، چنانکه بعضی از قشربون بوی نسبت بدینی داده‌اند که از آن بابت بسیار ناراحت می‌شد، حتی در این خصوص یک رباعی بوی نسبت داده‌اند که در مقابل برای دفاع از خود سروده است:

« کفر چو منی گزاف و آسان نبود محک‌تر از ایمان من ایمان نبود »
 « در دهر چو من یکی و آنهم کافر؟! پس در همه دهر یک مسلمان نبود »

ابن سینا درباره عشق خود بخدا و اسلام در رساله فی‌العشق چنین نوشته است:

« غایت عاشقی همان غایت معشوقیت است، مقصودم ذات اقدس متعالی حق تعالی است. چه خیر به خیر عشق می‌ورزد و این عشق‌ورزی از طریق رسیدن به آن و دریافت آنست و از آنجا که خیر اول بالفعل پیوسته مدرک ذات خویش است، بنابراین عشقش نسبت بخود کاملترین و تمامترین عشق است... ».

ابن سینا و دین اسلام: ابن سینا به اصول دین اسلام سخت پای‌بند بود، اگرچه بعضی از فقهای قشری او را به بی‌دینی منسوب کردند، بوعلی حتی برای مشکلات فلسفی و علمی به مسجد میرفت و از درگاه پروردگار مدد می‌خواست درحالی‌که در نوشته‌هایش کمتر به اعتقادات مذهبی خویش اشاره کرده است. و در پایان کتاب شفا برمی‌آید که او بوجود امام معتقد بوده و در بعضی از مسائل مانند فلسفه سیاسی از نظریات شیعه بهره‌مند شده و از آن پیروی کرده است و گفته‌اند که شیخ‌الرئیس در پایان عمر تمایلات بیشتری به مذهب شیعه اثنی‌عشری نشان داده و نفوذ افکارش در قرنهای بعد بیشتر در عالم تشیع و بین حکمای بزرگ اشراقی و مشائی مانند: سهروردی، خواجه‌نصیرالدین طوسی، قطب‌الدین شیرازی و میرداماد و ملاصدرا و حاج ملاهادی سبزواری دیده می‌شود. و اکثر این علماء و حکما از سرزمین ایران برخاسته و با مذهب تشیع پیوستگی کامل داشته‌اند، چنانکه بعضی از مفسران مرشد و هادی (حی بن یقظان) را حضرت علی بن ابی‌طالب دانسته‌اند ...

در بعضی از رسالات صوفیانه و عارفانه‌اش معراج پیامبر را بزبان صوفیانه تعبیر کرده و آنرا معراج روحانی شمرده است، رساله‌ی حین‌یقظان و رساله‌ی سلامان و ابسال هر دو از داستانهای رمزی فیلسوفانه و عارفانه است، در دو رساله‌ای که در ماهیت زیارت نوشته و از اینها مهمتر رساله‌ی او درباره‌ی عشق است که در آن تأثیر نیروی عشق را در پیدایش عالم بیان کرده است ...

روانشناسی ابن سینا: در روانشناسی ابن سینا نخستین مطلبی که بدان میپردازد، اثبات هستی روان است. ما اجسامی را می‌بینیم که دارای حسّ و جنبش ارادی‌اند و نیز اجسامی را که خوراک میگیرند، بالیده می‌شوند و همانند خود را پدید می‌آورند و این کارها بسبب جسمیت آنها نیست، بنابراین باید در آنها، برای این کارها چیز دیگری غیر از جسمیت یافت شود و آن چیزیکه این کارها از آن صادر میشود و بر رویهم هر آنچه مبدأ صدور این کارهائست که بنحوی یکسان فاقد اراده نیست، روان یا نفس نامیده می‌شود ...

ابن سینا هستی روان را از راه « خودآگاهی » در شفا و تئیهات آورده و میگوید:

« اگر انسانی ناگهان آفریده می‌شد، با اندامهای جدا از هم، و این اندامها را نمیدید و چنین روی میداد که نه او آنها را لمس میکرد، نه آنها یکدیگر را. او آوازی هم نمی‌شنید و از وجود همه‌ی اعضایش ناآگاه ولی وجود خود را چونان چیز یگانه‌ای با وجود ناآگاهی از همه‌ی آنها دیگر می‌شناخت ...»

و در کتاب شفا و نجات درباره‌ی بقای نفس می‌نویسد: « ... روان با مرگ تن نمی‌میرد و تباه نمی‌شود. نخست از آنرو با مرگ تن از میان نمیرود که هر چیزی که با تباه شدن چیزی تباهی پذیرد، بگونه‌ای متعلق به آن چیز است و هر چه که به چیزی به گونه‌ای تعلق داشته باشد، این تعلق یا تعلق برابر در وجود است یا تعلق متأخر از آن وجود ... ».

نظریه‌ی ابن سینا درباره‌ی بقا و جاودانگی روان چنین استنباط می‌شود:

« نفس انسانی که محل معقولات است، جوهری است که نه جسم است و نه در قوام و وجود ذات خود نیازمند جسم است، و نه در نگهداشت صورتهای عقلی نه در کارهای ویژه‌ی خود، بلکه تعلق آن به تن برای این است که تن‌افزایی باشد برای آن ... ».

عرفان ابن سینا: اگر تصوف را یک تجربه باطنی و ذوقی بحساب آوریم و بگوئیم که صوفی کسی است که به این تجربه دست بزند و از طریق این ذوق بکشف نایل آید، دشوار است که این را از جمله صوفیه بحساب آوریم، درحالیکه درباره صوفیان و عارفان بمیان می آورد: « عارفان را در زندگی این جهانی، غیر از دیگران مقامات و درجاتی است ویژه آنان، چنانکه گوئی هرچند هنوز در جامه های بدنهایشان هستند، آنها را فرونهاد و از آنها برهنه شده اند و روی بعالم قدس آورده اند، ایشان را کارهایی است نهانی در میان خودشان و کارهایی است آشکار که منکران را ناخوشایند است و آنانیکه آن کارها را می شناسند، آنها را بزرگ میدانند. »^(۵)

و در همان کتاب^(۶) - در وصف زاهد و عابد و عارف میگوید:

« آنکس که از متاع جهان و خویشهای آن روی برتافته است « زاهد » نامیده می شود. و آنکس که بکار عبادات از نماز و روزه و مانند اینها پردازد « عابد » نام دارد و آن کس که اندیشه خود را بسوی قدس جبروت میگرداند و همواره چشم براه تابش نور حق در نهانی ترین درون (سر) خویش است « عارف » نامیده میشود. »
درباره ویژگی عارف می نویسد^(۷) « وی حق نخستین را می خواهد نه برای چیزی جز او و هیچ چیز را برشناخت [عرفان] وی برتری نمی دهد، پرستش تنها برای اوست، زیرا وی شایسته پرستش است و این پرستش پیوندی شریف با حق نخستین است. »

باید خاطر نشان کرد که شیخ با متصوفان نامی مانند: ابوسعید ابوالخیر و ابوالحسن خرقانی محشور بود [چنانکه بعد از ملاقات با شیخ ابوالحسن خرقانی بود که بوعلی در همدان به تألیف طبیعیات شفا پرداخت.] و حتی اگر نتوانست طریق سالکان را طی کند تمایل خود را به افکار صوفیان نشان میداد و بسیاری از حقایق عرفانی را در آثار خود مطرح کرد.^(۸)

ابن سینا و پزشکی: ابن سینا اگر نابغه نبود، در علم طب به چنان شهرتی نمیرسید که کتابش بنام (قانون) در مدت صدها سال از کتب مهم درسی دانشگاههای مشهور اروپا شود، با وجودیکه طب ابن سینا محدود به نظریات علمی است و در این رشته بیای محمدبن زکریای رازی نمیرسد. ولی اطبای بزرگ اسلامی را تحت الشعاع قرار داد. علاوه بر کتاب قانون، تألیفات دیگری از قبیل: ادویه قلبیه، رساله ای در قولنج و رساله نبضیه و ارجوزه دارد.

از نشانه‌های اهمیت بی‌مانند کتاب قانون (القانون فی الطب) شرح‌های بسیاری است که بر آن بوسیله پزشکان نوشته شده است، و از طرفی شهرت و امتیاز قانون در محافل پزشکی جهان اسلام بجائی رسیده بود که نظامی عروضی درباره آن می‌گوید: « اگر بقراط و جالینوس زنده شوند روا بود که پیش ابن‌سینا سجده کنند ».

قانون ابن‌سینا بزرگترین سند پزشکی جالینوسی است. و ابن‌سینا چیزهای بسیاری از کتاب « الحاوی » رازی در کتاب قانون کرده است و ویژگی نبوغ ابن‌سینا در این است که وی مواد و موضوعهای پزشکی را به دقیقترین نحوی در کتاب قانون نظام بخشیده است. در این باره بکتاب قانون رجوع می‌کنیم:

« پزشکی دانشی است که بوسیله آن احوال بدن انسان از لحاظ آنچه سبب تندرستی یا از میان رفتن تندرستی است شناخته می‌شود، بمنظور نگهداشت تندرستی موجود و بازگرداندن آن در صورت زوال آن

کتاب قانون به پنج کتاب تقسیم شده است که هر کتاب دارای چندین فنّ و تعلیم و فصلهای بسیاری را شامل است. کتاب اوّل کلیّات نامیده شده است، کتاب دوم درباره داروهاست. کتاب سوّم درباره بیماریهای جزئی است که هر یک از اعضای انسان بدان دچار می‌شوند. کتاب چهارم: درباره داروهای است که مخصوص عضو یا اعضای معینی از بدن نیستند ... کتاب پنجم: درباره داروهای مرکب است که نام دیگر آن (قرباذین) است. بر رویهم رفته میتوان گفت که قانون حاوی تمام اطلاعات و شناختهای پزشکی یونانی و عربی تا دوران حیات مؤلفش می‌باشد، بدان‌گونه که از آنها مطلع بوده است؛ و خصوصیات پزشکی ابن‌سینا مشاهدات بالینی او در مورد بیماریهای گوناگون است.

ابن‌سینا. ریاضیات و نجوم: ابن‌سینا اگر نابغه نبود چگونه میتوانست دنیای علوم ریاضی و نجوم بپایه‌ای

برسد که زبانزد خاص و عام گردد و دانشمندان هم عصرش برای تحقیق در کتب علمی او و برای شناخت درجه علمی و نبوغش روزهای متمادی از عمرشانرا برای مطالعه کتابهایش صرف نمایند. بوعلی اگر نابغه نبود چگونه می‌توانست بدون استاد کتاب المجسطی تألیف بطلمیوس را که گنجینه‌ای از دانش ریاضی آنزمان بود مطالعه کند و بیاموزد، چنانکه میدانیم ابن‌سینا در ریاضی صاحب‌نظر بوده و آثاری در علوم ریاضی تألیف کرده، و دو فصل از کتاب شفا را بعلم ریاضی اختصاص داده و در علم نجوم که خود رشته مهمی از ریاضی است دارای تألیف و تصنیف است؛ و در ساختن اسباب و لوازم و ابزار رصد ید طولانی داشته است.

ریاضیات کتاب شفا شامل چهاربخش است: اصول هندسه، علم حساب، علم موسیقی و علوم هیأت، ابن سینا در علم ریاضی اصول اقلیدس را مورد تفحص و بررسی و تحلیل قرار داده. وی بنا بگفته شاگرد و دوستش « ابو عبید جوزجانی » کتابی بنام مختصر اقلیدس تألیف کرده که بعداً آنرا بخشی از کتاب شفا قرار داده و بخشی از کتاب نجات را بعلم هندسه تخصیص داده است.

از آثار ابن سینا درباره هندسه: رساله فی تحقیق الزاویه و تحقیق مبادی الهندسه، و نیز مقالات تألیف

یافته ابن سینا در حساب: خواص العدد، احوال العدد من حیث اضافه الی غیره ... و همچنین چندین بخش از کتاب نجات درباره علم حساب است.

ابن سینا در علم موسیقی دارای مقالاتی است و در علم هیأت، در کتاب شفا مقالاتی نوشته است، از قبیل: تحریرالمجسطی، مقاله فی کیفیت الرصد، و سایر کتب و مقالات نگاشته شده در علم هیئت و علوم ریاضی و هندسه و ...

در موضوع اکتشافات و اختراعات علمی شیخ رئیس، شاگرد او: ابو عبید جوزجانی می نویسد: « شیخ برای رصد آلاتی اختراع کرده بود و در هر کتاب از کتب ریاضی مسائلی جدید که نتیجه استنباط فکر توانای خود بود بر آن افزوده بود؛ ده شکل در اختلاف منظر به مجسطی افزود و در آخر مجسطی چیزهایی از علم هیئت آورده که تا آنزمان کسی بدانها پی نبرده بود - در اقلیدس شبههائی دارد، و در موسیقی مسائلی آورد که عقول از استنباط آن قاصر و غافل بوده اند. »^(۹)

در رساله مخارج الحروف، بوعلی بخشی درباره کیفیت حدوث صوت آغاز کرده و سپس از سبب حدوث حروف گفتگو بمیان آورده ...

و شیخ در بعضی از مسائل گفتارش پخته تر از ارسطو است و آنها را با معارف اسلامی و تعلیمات دینی تطبیق کرده و در گفتارش ابتکاراتی است که زائیده فکر اوست؛ از آنجمله درباره تشکیل کوهها و پیدایش و مرگ دریاها و موجودات دریائست که صدفهای حیوانات دریائی در داخل سنگها موجود است. همینطور ابن سینا در موضوع علم نور مطالعاتی کرده که با عقاید بطلموسی و اقلیدسی مغایرت دارد و در این باره بر آنها برتری یافته است ...

ابن سینا و ادبیات: همانطور که قبلاً اشاره شد شیخ‌الرئیس علاوه بر نابغه بودنش در علوم پزشکی و علوم ریاضی و سایر علوم وابسته بدان، در شعر و ادب نیز دارای مقام و مرتبه‌ی والائی است و هنگامیکه از او خواسته می‌شد، علم و منطق و پزشکی را بصورت شعر درمی‌آورد، و در زبان و ادبیات فارسی و عربی استاد منحصر بفرد بود و تمام کتب علمی خود را بزبان فصیح عربی برشته‌ی تحریر درآورده و کتاب « دانشنامه‌ی علائی » را بزبان فارسی نگاشته است. و شیخ در صرف و نحو و معانی و بیان و ادبیات عربی از دانشمندان عصر خویش بوده و هم‌چنین در زبان و ادبیات فارسی که زبان مادری اوست استاد بی‌نظیری بوده است؛ اشعار و نوشته‌ها و مقالاتش گویای تبخّر او در هر دو زبان است. اینک چند بیتی از اشعار معروف او بزبان عربی که در بیان سرگذشت نفس انسانی است:

(۱) « هبّطت الیک من المحمل الرفع - و رقاء ذات تُعزّز و تمنّع »

(۲) « محبوبه عن کلّ مقله عارف (ناظر) - و هی الّتی سفرت و لم تتبرقع »

(۳) « وصلت علی کُره الیک و ربّما - کرهت فراقک و هی ذات تفجّع »

(۴) « فکانتها برقٌ تألّق بالحمی - ثمّ الطوی فکأنّهُ لم یلمع »

ترجمه اشعار:

(۱) - « بسوی تو از جایگاهی بلند، کبوتری گرانقدر و والا فرود آمد »

(۲) - « با آنکه پرده از رخ برافکنده بود و حجابی بر چهره نداشت، از دیده‌ی عارفان (ناظران) مستور بود »

(۳) - « سرباز زدو انس نگرفت و چون فرا رسید، به آن ویرانه‌ی تهی الفت یافت »

(۴) - « و یا گوئی برقی است که از سرمنزل محبوب درخشید، و آنگاه چنان در نوشته شد که گوئی اصلاً

ندرخشیده است »^(۱۰)

اکنون نمونه‌ای هم از اشعار فارسی شیخ‌الرئیس:

« از قعر گل سیاه تا اوج زحل / کردم همه مشکلات عالم را حل »

« برون جستم ز قید هر مکر و حیل / هر بند گشوده شد مگر بند اجل »

در نوشته‌های ابن سینا گرایش عرفانی و ادبیات صوفیانه بزبان رمز و کنایه و در قالب تمثیل بکار رفته و اشاره‌ای کوتاه به آثار و افکار شیخ‌الرئیس شاید بی‌مناسبت نباشد؛ و درباره‌ی توجه ابن سینا به عرفان و راه و روش صوفیانه و ارتباط او با این روش از دیرباز در میان متصوفان مورد نظر بوده است.

سخن شیخ در هر دو مورد نظم و نثر متین و استوار است، و از قدرت و خلاقیت او در زبان عربی حکایت می‌کند و علاوه بر اشعار رساله‌هایی در مخاطبات و مکاتبات و هزلیات را نیز از آثار او ذکر کرده‌اند و شیخ نیز کتابی در علم عروض داشته که از میان رفته و در آثار فارسی نمونه‌ای از نثر ابن سینا از کتاب: «حی بن یقظان» را ذکر می‌کنیم:

« شنیده‌ای و به تو رسیده است حال تاریکیها که به نزدیک قطب ایستاده است، که آفتاب بر او بهر سالی اندر بوقتی معلوم تا بد. هر که اندر میان تاریکی شود و سرباز نزند از اندرون شدن بسوی دشواری را. به فراخنایی رسد که او را کناره نیست بروشنائی آکنده نخستین چیزی که او را پدید آید چشمه‌ئی روان بود که آب وی اندر جوی همی شود که بر بلندی همی رود، و بهر که سر و تن بدان آب بشوید سبک گردد تا بر سر آب برود و غرقه نشود، و بر سر کوههای بلند بر شود بی‌آنکه رنجش رسد تا از آنجا به یکی از آندو حد رسد که ازین عالم بازبریده‌اندشان. »^(۱۱)

توضیح نثر از کتاب: (نظر متفکران اسلامی درباره‌ی طبیعت - تألیف سیدحسن نصر ص ۴۱۴)

[مقصود از بلندی که در اصل متن عربی برزخ است همان عقل هیولائی است که نسبت به صور عقلی ماده‌ی اولیه است. در اینجا ابن سینا مفهوم ماده و صورت فلسفه‌ی مشائی را پذیرفته، لکن آنرا یک معنی درونی بخشیده و به تجربه‌ی باطنی سالک مرتبط ساخته است. پس از نوشیدن آب چشمه‌ی حیات سالک برای گذشتن از مغرب و رسیدن به مشرق عالم آماده است].

و دیگر از آثار فارسی شیخ که بجا مانده است و از لحاظ تاریخ تحولات این زبان و شناخت توانائیها و قابلیت‌های آن دارای ارزش و اهمیت بسیار است و همانطور که قبلاً ذکر گردیده مشهورترین اثر ابن سینا در زبان فارسی کتاب دانشنامه‌ی علائی است و سبک و نگارش شیخ در این اثر روان و بی‌تکلف است و اگر روش آن امروز در بعضی موارد مشکل و نامأنوس است بدان جهت است که بیش از هزار سال از تحریر آن می‌گذرد.

در این کتاب جمله‌ها کوتاه و ارتباط میان اجزاء جمله روشن و بی‌ابهام است و عبارات رنگ و حالت ترجمه که در اینگونه کتب دیده می‌شود ندارد. بوعلی سینا تا آنجا که برایش مقدور بوده از آوردن واژه‌های عربی خودداری کرده و بیشتر از واژه‌های فارسی معمول زمان حیات خویش سود جسته و لغات و اصطلاحات فارسی کلاً همان کلماتی است که نویسندگان و مؤلفان هم‌عصر او در نظم و نثر فارسی بکار می‌برده‌اند.

همانطور که آگاهیم زبان فارسی در زمان بوعلی فارسی دری بوده و ابن‌سینا برای مفاهیم دقیق فلسفی و علوم وابسته به آن نثر فارسی دری را رواج داد و با ابن‌سینا روش نگارش با نثر فارسی دری آغاز گردید، و در زمانهای بعد از شیخ شاگردانش نگارش را با این شیوه ادامه دادند، و با آثار کسانی چون ناصر خسرو، حکیم عمر خیام، افضل‌الدین کاشانی، خواجه نصیر طوسی و قطب‌الدین شیرازی و کسانی که آثار منسوب به ابن‌سینا را نوشته‌اند بکمال رسید.

نظریه دانشمندان و شعرا و حکما و متفکران درباره ابن‌سینا: یکی از محققین هندی درباره

ابن‌سینا میگوید: « بزرگان همه بزرگند، ولی حقیقت از همه ایشان بزرگتر است و نفس الامر واقع آنست که ارسطو تألیفاتی بمنزله دائرةالمعارف فراهم کرده و معلومات عصر خود را مدون ساخته و شیخ نیز در کتب خود، همین کار را کرده، اما نه بطور کورکورانه بلکه با بینشی عمیق و اندیشمندانه ... ».

سنائی غزنوی درباره شیخ می‌سراید:

« نخواهم لاجرم نعمت، نه در دنیا، نه در جنت

همی گویم بهر ساعت چه در سراء^(۱۲) چه در ضراء^(۱۳) »

« که یارب مرسنائی را سنائی ده تو در حکمت

چنان کز وی بر شک آید روان بوعلی سینا »

مولای رومی درباره بوعلی می‌سراید:

« چلیپا^(۱۴) و نصرانیان سربسر به پیمودم اندر چلیپا نبود »

« بکوی هری رفتن و قندهار بدیدم در آن زیر و بالا نبود »

یعنی: آنچه بوعلی نداند هیچکس نداند ...

دانشمندان بزرگی مانند: نصیرالدین طوسی و قطب‌الدین شیرازی بر کتب شفا و قانون و نجات و اشارات ابن‌سینا شرح و تعلیق و حاشیه و حتی حاشیه بر تعلیق و تعلیق بر حاشیه بر کتب مذکور نوشته‌اند. و در مشرق زمین حکمائی مانند: ابن‌رشد و موسی‌بن میمون یهودی و راجریکن و دیگر فلاسفه و اطباء و علمای کلامی عیسوی همگی به تحصیل و تعلیم و بحث و شرح کتب ابن‌سینا مشغول بوده‌اند.

و یکی از نویسندگان معاصر کشورمان درباره بوعلی چنین می‌آورد:^(۱۵) ابن‌سینائی که بیش از نهصدسال است در دنیا مشهور و مایه مباهات و افتخار ایرانیان است آن ابن‌سیناست که اشعار و قصاید عبری می‌گفته، کتب ادبی به سبک و اسلوب ابن‌العمید و صابی و صاحب‌بن عبّاد به عربی می‌نوشته، کتاب بزرگی در لغت عربی به اسم لسان‌العرب تألیف کرده بوده، در حکمت و فلسفه ارسطو کتب شفا و نجات را بزبان عربی انشا کرده و خلاصه فلسفه خود را در کتاب موسوم به اشارات و تنبیهات به عربی تحریر کرده و رساله حیّ بن یقظان و سلامان و آبسال و رساله مرغان را بعبری وضع کرده و در باب نفس بعبری قصیده سروده و در باب منطق ارجوزه‌ای به عربی بنظم آورده، در علم طب کتاب بزرگ قانون و امثال آنرا بزبان عربی تألیف کرده، و کتاب فلسفه مشرقیین را که آخرین کتاب فلسفی او و حاصل آراء او در این موضوع بوده است بعبری انشا کرده است و به این کتب بود که این دانشمند بزرگ مشهور عالم شد ...».

دانته شاعر بزرگ ایتالیائی ابن‌سینا را بین بقراط و جالینوس قرار میدهد و اسکالیچر « پزشک و دانشمند ایتالیائی، متوفی ۱۵۵۸ م » ویرا در پزشکی، همتای جالینوس حکیم می‌شمارد ولی در فلسفه او را بسیار والاتر از جالینوس میداند.

ابن‌سینا در نزد مردم مشرق زمین شیخ‌الرئیس و سرآمد فیلسوفان بشمار می‌آید و فلسفه ارسطو و مذهب نوافلاطونی به همان صورت که او توضیح داده است هنوز در نزد مردم خاورزمین معروف و مشهود است، و از طرفی ابن‌سینا دارای دشمنانی نیز بوده که فریاد آنان بلندتر از صدای دوستانش بوده است، و عده‌ای از شاعران نیز برعلیه او اشعاری سروده‌اند، و از متکلمان عده‌ای موافق و عده‌ای مخالف با آراء او بوده‌اند، و خلیفه المستنجد^(۱۶) فرمان داده تا تألیفات ابن‌سینا را در شهر بغداد ضمن مجموعه فلسفی یکی از قضاة با آتش بکشند.

دیگر اینکه بسیاری از مشاهیر موسیقی دانان و موسیقی شناسان بعد از ابن سینا از آثار او مستفید شده‌اند، و از جمله «ابن زیله» از شاگردان مخصوص شیخ در کتابش «الکافی فی الموسیقی» صراحتاً ذکری از استاد بمیان نیاورده، درحالیکه بخوبی معلوم است که از آثار ابن سینا استفاده کرده است. و دیگر صفی‌الدین ارموی (متوفی ۶۲۹ ق) از موسیقیدانان بزرگ ایرانی در کتابش: «الادوار و رساله الشریه» و همچنین دیگران امثال: عبدالقادر مراغه‌ای و قطب‌الدین محمود شیرازی و غیره از آثار شیخ در علم موسیقی بهره‌مند شده‌اند.

خاتمه: در خاتمه از آثار شیخ‌الرئیس که تعداد آنها از دویست و پنجاه جلد متجاوز است و بیشتر در علوم مختلف تألیف و تصنیف شده است برمی‌آید که او یکی از نوابغ بزرگ جهان در عصر خویش بوده، و در این زمان دانشمندان بزرگ عالم بر نبوغ سرشار او معترفند و اذعان دارند که در اثر نبوغ سرشارش بوده که بر اکثریت علوم زمان حیات خویش مسلط بوده است، و نیز همه متفکران اسلامی و غیراسلامی از زمان زندگی ابن سینا تاکنون بر این اعتقادند که در تمامی دورانهای زندگی بشری از بدو خلقت تاکنون کمتر دانشمندی همتای شیخ‌الرئیس پا بعرضه هستی نهاده که در علوم عقلی و کلامی و فلسفه و مذهب و ادبیات و موسیقی و ریاضی از خود آثاری این‌چنین ارزنده و درخور فهم و درک همگان بجای گذاشته باشد که مورد تحسین و تقدیر واقع شود، و حتی می‌توان ذکر کرد که آثار او دائره‌المعارف بزرگی است که همه اندیشمندان جهان از زمان حیات او تا عصر حاضر آنها را مورد استفاده قرار داده و بلکه مرجعی برایشان می‌باشد ...

شایسته است که تمامی ایرانیان آثار او گرامی بدارند و بر آنها ارج نهند، چون نبوغ او و اندیشه و تفکر او در همه زمینه‌های علمی برای ملت ایران افتخارآفرین است، براستی که ابن سینا نابغه‌ای بزرگ و فیلسوفی بی‌همتا و اندیشمندی گرانقدر بود و باعث افتخار و مباهات ملت ایران و سرزمین ایران است. و آثار این دانشمند بزرگ گنجینه‌ای از علم و ادب در فارسی و زبان عربی است. شیخ نه تنها از افتخار ایران بلکه افتخار تمامی مشرق زمین است و سرچشمه زلالی است که همه دانشمندان و متفکران جهان از آن سیراب شده‌اند، و آثار خود را از نوشته‌های او الهام گرفته‌اند و بدانها مزین ساخته‌اند.

اگر ابن سینا نابغه نبود؛ این آثار گرانقدر چگونه پدید می‌آمد، درحالیکه زیربنای تمدن و ترقی امروز بشریت نشأت گرفته از آثار اوست و این گواه نبوغ و تفکر آن فیلسوف و اندیشمند بزرگ است.

برخی از شاگردان معروف ابن سینا:

- ۱- ابو عبید جرجانی - ملازم خدمت استاد بوده
- ۲- ابو عبدالله فقید معصومی (متوفی ۴۴۰ هـ. ق)
- ۳- امیر ابو کالنجر (ابو کالیجار)
- ۴- ابو القاسم نیشابوری و دیگران

« گزارش واپسین لحظه‌های عمر ابن سینا »

بروایت دو یادداشت خطی از سده « ۸۶ هـ » هجری - قمری که بدست آمده است:

« حکى أن الشيخ الرئيس اباعلى بن سینا النجاری - « رحمه الله تعالى »: لَمَّا حضرته الوفاة، كان عنده صهره ابوعلی العمری صوفی، فلما قرب الموت؛ قال: له صهره: « یا أباعلی؛ أذكر ربکا! » ففتح عينه و قال له: « یا أباعلی! و منی خلا قلبی من ربی مذعرفته طرفة عين؟ أتونی بسماع او تار و شبابه. ».

فاستدعوا بالسَّماع. فقال: « شدوا طبقه معتدله و غنوا بهذه ألابیات الى ان تفارق روحی من جسدی و ينصرفوا « و امرهم بصلیة، و هی هذه الابیات:

« هبت رياح وصالکم سحرأً بحدائق

للسوق فی قلبی فاهتر غضن العقل من

طرب و تناثرت ثمراته من الحب و عدت

خیول الهجر شاردة مطرودة لعساكر

القرب و بدت شمس الوصل خارقه

بشعاعها لسرادق الحجب و بقيت لاشیء

اشاهده الا حسبت بأنه ربی ».

ترجمه: « آورده‌اند که چون هنگام درگذشت شیخ‌الرئیس ابوعلی‌سینای بخاری که آمرزش خدا بر او باد فرا

رسید، داماد او ابوعلی‌عمری صوفی که در آنجا حضور داشت ویرا گفت: ای ابوعلی‌خدا را یاد کن!

شیخ چشمان خویش را گشود و در پاسخ دامادش گفت: « کی بوده است که زبان و قلب من حتی یک لحظه خالی از یاد پروردگارم بوده باشد؟ ».

پس درخواست کرد تا نوازندگان جوان با اسباب نوازندگی حضور یابند، آنگاه ابوعلی بنوازندگان دستور داد تا « طبقه معتدله‌ای » را آماده کنند، و بعداً از آنان خواست تا با این ابیات آنقدر در همان مقام بنوازند تا روحش از کالبدش مفارقت جوید، و همان زمان نیز دستور داد تا صلّه مناسبی برای آنان در نظر گرفته شود. «.

آن ابیات چنین است:

« سحرگاه نسیم وصال تو در

بستانهای اشتیاق در قلب من وزیدن گرفت.

و شاخه درخت عقلم را از طرب به لرزش

درآورده و میوه‌های دوستی را در اطراف

خویش پراکند

لشکر هجران را در برابر نیروی وصال یارای

پایداری نماند و متواری شد.

و نور خورشید وصال سراپرده‌های حجاب را بر درید.

و من ماندم، و خدای خود را در همه جا می‌بینم. »

و قابل ذکر است که در تواریخ مذکور است که شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا در مدت عمر خود هیچ شعر پارسی

نسروده است^(۱)؛ جز این که چون زمان وفاتش فرا رسید این یک بیت فارسی را بگفت و بخواند:

« تن از رق گشت چون سیما

دریغا بوعلی سینا ».

و این ابیات عربی هم در حالت نزع سروده و آنگاه فوت نموده:

1- در اینکه بوعلی سینا جز این دو خط شعر فارسی نگفته است؛ شبهه وجود دارد، در حالیکه چندین بیت بفارسی به بوعلی سینا نسبت داده‌اند. از جمله

این دوبیتی که بفارسی سروده است:

« از قعر گل سیاه تا اوج زُحَلِ کردم همه مشکلات عالم را حل

« جستم بیرون ز فید هر مکر و حیل هر بند گشوده شد مگر بند اجل »

« هبت نسیم وصالکم سحرأً

بحدائق للشوق فی قلبی

فاهترغصن العقل من طرب

« و تئاثرت ذر من الحب »

« و بدت شمس الوصل خارقه »

« بشعاعها السرداق الحجب »

« فبقیت لا شیء اعانیه »

« أأ ظننت بأنه ربی »

مطالب فوق از روزنامه ایران سال ۸۱ سال هشتم گرفته شده است.

ترجمه:

سحرگاه نسیم وصال در بستانهای اشتیاق در قلبم وزیدن گرفت، و شاخه درخت عقلم از شوق بهیجان درآمد، و میوه‌های عشق و محبت را در اطراف خویش پراکند، و نور خورشیدهای وصال با انوارشان سراپرده‌های حجاب را بردریدند و من ماندم هیچ چیز جز خدای خود ندیدم. آنگاه دانستم که او خدای من است.

« ترجمه از مؤلف »

والسلام

مآخذ: « کتابنامه »

- (۱) تاریخ فلسفه در جهان اسلام: حناالفاخوری - خلیل المجر - ترجمه: عبدالمحمد آیتی. جلد ۲
- (۲) تاریخ فلسفه در اسلام: دکتر ت. ج - دبور. ترجمه: عباس شوقی
- (۳) دائرةالمعارف فارسی: غلامحسین مصاحب. جلد ۲.
- (۴) دائرةالمعارف بزرگ اسلامی: بکوشش جمعی از محققین و دانشمندان. ج ۴
- (۵) سه حکیم مسلمان: سیدحسن نصر. ترجمه: احمد آرام.
- (۶) کلیات چهار مقاله عروضی: علامه محمد قزوینی
- (۷) مجموعه مقالات - هادی حسن.
- (۸) مقدمه ابن خلدون - عبدالرحمن بن خلدون - ترجمه: محمد پروین گنابادی.
- (۹) نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت - سیدحسن نصر.
- (۱۰) نقد حال: استاد مجتبی مینوی
- (۱۱) مهمترین آثار ابن سینا: الف: کتاب الشفاء.
- (ب) کتاب النجاة.
- (ج) کتاب القانون فی الطب
- (د) کتاب الاشارات و التنبیها
- (هـ) کتاب الحکمه المشرقیه.
- (و) روزنامه ایران سال - ۸۱
- (ز) دانشنامه علانی

پی‌نویسها:

- (۱) دانشنامه‌ی علائی: ص ۴
- (۲) الاشارات: ص ۶
- (۳) همان کتاب: ص ۶
- (۴) نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت: ص ۷
- (۵) الاشارات: ص ۱۲
- (۶) همان کتاب: ص ۱۲
- (۷) همان کتاب: ص ۱۲
- (۸) یکی از بهترین دلالتی که برای تمایلات عرفانی شیخ میتوان آورد همان ذوق او در شعر است، چون تنها عرفان است که میتواند قلمرو مشترکی از برای تفکر استدلالی و ذوق شعری باشد و متفکران بزرگی که از هر دو جنبه یعنی: استدلال و شعر و شاعری برخوردار بوده‌اند، معمولاً با حقایق عرفانی آشنائی داشته‌اند.
- نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت - سیدحسن نصر ص ۹۷-۳۹۶
- (۹) دانشنامه‌ی علائی - احمد خراسانی ص ۱۶
- (۱۰) تاریخ فلسفه در جهان اسلامی - عبدالمجید آیتی ص ۱۸
- (۱۱) حی بن یقظان ص ۲۰
- (۱۲) سراء: بفتح سین و تشدید را؛ بمعنی: راحتی و آسایش. ص ۲۲
- (۱۳) ضراء: بفتح ضاد و تشدید را؛ بمعنی: رنج و سختی ص ۲۲
- (۱۴) چلیپا: بفتح اول و کسر لام و یای معروف و بای فارسی - بمعنی: صلیب ص ۲۲
- (۱۵) نقد حال: مجتبی مینوی ص ۲۲
- (۱۶) المستنجد: (۵۵۵-۵۲۶): ابوالمظفر یوسف بن مقتضی ملقب به المستنجد بالله ص ۲۴

« پایان »

عنوان	صفحه
الف: مقدمه	۲
۱- شرح حال	۲
۲- آثار ابن سینا	۳
۳- معلمین شیخ	۴
۴- فلسفه ابن سینا	۴
۵- خداشناسی ابن سینا	۵
۶- دین و وحی	۵
۷- ابن سینا و دین اسلام	۶
۸- روانشناسی ابن سینا	۷
۹- عرفان ابن سینا	۷
۱۰- ابن سینا و پزشکی	۸
۱۱- ابن سینا - ریاضیات و نجوم	۹
۱۲- ابن سینا و ادبیات	۱۰
۱۳- نظریه دانشمندان	۱۲
۱۴- خاتمه	۱۴
۱۵- برخی از شاگردان معروف ابن سینا	۱۵
۱۶- گزارش واپسین لحظه‌های عمر ابن سینا	۱۵
۱۶- مآخذ (کتابنامه)	۱۸
۱۷- پی‌نویسها	۱۹
۱۸- فهرست مطالب	۲۰

« زبان و قلب من حتیٰ

یک لحظه خالی از یاد پروردگار نبوده است. »

(فیلسوف و حکیم: ابوعلی سینا)